

چهره

ترنس مالیک؛ جی دی سالینجر دنیای سینما



ترنس مالیک که امروز ۳۰ نوامبر سالروز تولد ۷۱ سالگی اوست، یکی از بزرگ‌ترین معماهای فیلمسازی معاصر است؛ چهره‌های سایه‌وار که شهرت فراوان او تا حد زیادی به خاطر تعداد کم فیلم‌های کارنامه‌اش است. او که سبک بصری کارهایش تا حد زیادی غیر قابل مقایسه است، در عمر طولانی سینمای آمریکا در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد و با خود نوعی زیبایی رؤیاگونه‌ای به پرده بزرگ آورد که با یک سبک قصه‌گویی مبهم و طعنه‌آمیز همراه است. فیلم‌های مالیک پرطنین و رازگونه هستند و مضامینی چون عشق و مرگ را با مهارتی کم‌نظیر به تصویر می‌کشند.

مالیک متولد سال ۱۹۴۳ در اوتاوا در ایلینویز است. او پس از تحصیل در رشته فلسفه و به طور تخصصی در زمینه هایدگر در دانشگاه هاروارد مدتی در آکسفورد مشغول تحصیل شد، اما می‌گویند پیش از به پایان بردن تحصیلات، دانشگاه را ترک کرد. در وب‌سایت دانشگاه ماگدالن نام مالیک در فهرست «دانشجویان گمشده» ذکر شده است.

او بعدها مدتی کار معلمی و خبرنگاری کرد و سپس وارد سینما شد. فیلم سال ۱۹۷۳ «هوت» با بازی مارک تین شین و سیمی اسپسک کمک کرد مالیک به عنوان یک استعداد جدی با قالب یک مؤلف برای خود اسم و رسمی به هم بزند.

مالیک پس از فیلم برنده اسکار «روزهای بهشت» در سال ۱۹۷۸، برای ۲۰ سال از دنیای فیلم ناپدید شد و تا ۱۹۹۸ و فیلم «خط قرمز باریک» بازنگشت. حتی دلایل غیبت او از دنیای فیلمسازی یک راز است و این ابهام باعث شده به او لقب «جی دی سالینجر نیای سینما» بدهند. این مسئله تنها به جاذبه او اضافه کرده است.

برخورد وسواسی مالیک با کارش، فواصل طولانی بین فیلم‌ها و مضامین همیشگی آثارش، شباهت‌های او با ااستنلی کوپر یک-یک کارگردان گوشه‌گیر دیگر که فیلم‌های آمریکایی را با حساسیت اروپایی می‌سازد- اجتناب‌ناپذیر است.

البته استفاده از واژه «گوشه‌گیر» به نظر یک جور دست کم گرفتن مردی است که از او تنها چند عکس که بیشتر آن‌ها هم قدیمی است، وجود دارد. فقط این نیست، او تقریباً هیچوقت مصاحبه نمی‌کند، حاضر نیست برای فیلم‌هایش تبلیغ کند و ترجیح می‌دهد حرف‌هایش را از طریق فیلم‌هایش بزند.

مالیک پس از «خط قرمز باریک» حدود هفت سال دیگر از دنیای سینما دور بود. او سال ۲۰۰۵ با فیلم «نیای نو» با بازی کالین فالز بازگشت. فیلم او به نوعی مرثیه‌ای بسوز اول تمدن‌های بومی است. شش سال دیگر باید می‌گذشت تا مالیک یک فیلم دیگر بسازد، «درخت زندگی» که اولین بار در دنیا سال ۲۰۱۱ در بخش مسابقه اصلی شصت و چهارمین جشنواره کن به نمایش درآمد و برنده جایزه نخل طلائی کن شد. «درخت زندگی» با بازی براد پیت و ششان پن داستان خانواده‌ای در جنوب آمریکا در دهه ۱۹۵۰ را روایت می‌کند.

مالیک در مراسم اختتامیه جشنواره کن حضور نداشت که شخصاً جایزه نخل طلا را دریافت کند. او حتی در مراسم اولین نمایش خود در جشنواره کن هم شرکت نکرد.

ظاهر مالیک بعد از «درخت زندگی» دیگر قصد ندارد بین فیلم‌های خود فاصله بیندازد. او سال ۲۰۱۲ فیلم «به سوی شگفتی» با بازی بن افلک و ریچل مک‌آدامز را ساخت که در بخش مسابقه بین‌الملل شصت و نهمین جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد.

او سه فیلم دیگر را نیز در مرحله پس از تولید دارد: «هولاهول» که به دست با بازی کریستین بیل، وس بنتلی و ناتالی پورتمن، یک پروژه فعلی نام با بازی بیل، رایان راسلی و میشائیل فالیسندر و فیلم مستند «سفر زمان» که از آن به عنوان مکتشف‌های در تولد و مرگ گیتی یاد شده است.

نگاهی به فیلم «پدینگتن»

سفر جذاب یک خرس ماجراجو به دنیای واقعی

«پدینگتن» (Paddington) عنوان تازه‌ترین فیلمی است که تهیه‌کننده «هری پاتر» با همکاری پل کینگ کارگردان به تولید رسانده و از جمعه ۲۸ نوامبر (۱۷ آذر) در سینماهای انگلستان روی پرده رفته است. این فیلم ۹۷ دقیقه‌ای یک کمدی خانوادگی انگلیسی است که با اقتباس از مجموعه کتاب‌های محبوب کودکان به نام «خرس پدینگتن» نوشته مایکل باند ساخته و پرداخته شده است. پل کینگ فیلمساز ۳۶ ساله انگلیسی علاوه بر کارگردانی، نویسندگی این اثر اقتباسی را نیز برعهده داشته است. از میان ستاره‌های این فیلم می‌توان به هیو بوون، ویلی سالی هاکینز، جولیا والترز، جیم بردونیت، پیتز کاپالدی و نیکول کیدمن اشاره کرد. بن وینساو، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون انگلیسی نیز صدایشگاری کاراکتر اصلی فیلم یعنی «پدینگتن» را برعهده داشته است.

«هیج خرسی در جریان ساخت این فیلم آسیب ندید!» این جمله‌ای است که در تیزتراژ پایانی فیلم «پدینگتن» خودنمایی می‌کند و خوشبختانه چنین اتفاقی مروهون خلایق ادبی مایکل باند (نویسنده ۸۸ ساله انگلیسی) در روایت قصه یک خرس قهوه‌ای دوست‌داشتنی است. داستان فیلم از این قرار است که یک خرس جوان که اصالتاً هل پرو است با شوری و صفا ناپذیر در جستجوی سرپناه و زندگی بهتر از لیما به لندن سفر می‌کند. وقتی به شهر رؤیایش می‌رسد، خودش را گم شده و تنها در ایستگاه قطار پدینگتن می‌یابد و رفته‌رفته می‌فهمد زندگی شهری با آنچه در تصوراتش بوده، متفاوت است. تا این که او با خانواده خوش بر خورد و مهربان براون ملاقات می‌کند. براون‌ها نوشته‌رویی برچسب دور گردن او را می‌خوانند: «لطفاً از این خرس مراقبت کنید» و به این ترتیب سرپناهی موقت را به او

«بازی تقلید» از نگاه بازیگر اصلی و عوامل فیلم

ادای دین به یک رمز شکن نابغه

او کسی بود که توانست «انیکما» ماشین رمزنگاری نفوذناپذیر و افسانه‌های آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم را رمز شکنی کند، اما چنین واقعیتی برای شناخت کامل آلن تیورینگ، ریاضیدان و مخترع انگلیسی و سوزه اصلی فیلم جدید «بازی تقلید» (The Imitation Game) کافی نیست. حقیقت این است که هیچ‌کس هرگز نخواهد توانست به ابعاد پنهان شخصیت این نابغه عجیب و غریب بی‌ببرد. گراهام مور، فیلمنامه‌نویس «بازی تقلید» می‌گوید: «زندگی او یک معماست» و می‌افزاید: «رمز و رازهای او بار سنگینی را بر زندگی‌اش تحمیل کرد. ما تلاش کردیم (معما) آلن تیورینگ را حل کنیم.»



پسگرد قانونی قرار گرفت برای این که متفاوت بود. از همه این‌ها که بگذریم این تیورینگ و خانواده‌اش هستند که باید آن‌ها (دولت) را اغو کنند و ما (مردم) را-برای این که اجازه دادیم چنین اتفاقی رخ دهد.»

بندیکت کامبریج، بازیگر ۳۸ ساله انگلیسی که نخستین بار با بازی در نقش کارآگاه شرلوک هولمز در سریال تلویزیونی «شرلوک» به شهرت رسید، درباره نقشش در این فیلم می‌گوید: «هیچوقت از ششور و شوشوم در حرف زدن درباره بازی در نقش این مرد یا این فیلم کم نمی‌شود؛ مهم نیست چقدر حسنگی کروان به تنم مانده، مهم نیست چقدر احساس تکراری بودن برام دارد یا این که آدم احساس می‌کند در حباب (ششور) صدای خودش گیر افتاده است.»

کامبریج که بعد از بازی در نقش شرلوک هولمز ناگهان با سیل پیشنهادات جدید و سوسه‌انگیز روبه‌رو شد، در ادامه فعالیت‌های حرفه‌ای خود در آثاری نظیر مجموعه فیلم‌های «هابیت»، «شهر ستاره‌های درون تاریکی» و «۱۲ سال بردگی» به ایفای نقش پرداخت. از میان همه نقش‌هایی که کامبریج در چند سال گذشته بازی کرده، احتمالاً هیچکدام برایش شخصی‌تر از نقش آلن تیورینگ نبوده و دلیلش هم صرفاً هایشوی که برآمون بازی در خشان و احتمال موفقیتش در اسکار در گرفته، نیست. او همچنین درباره ستاره نقش مقابلش، کایرانا تیللی می‌گوید: «احساس این است که بخشی از ما موریت ما گسترش مخاطبان داستان این مرد و معرفی او به مردم وسیع‌تری از عموم مردم بود، به خاطر اهمیتش و به خاطر رفتار اسفناکی که در زندگی‌اش با او شد.»

را پیدا کرد، چون کلارک (بازیگر کایرانا تیللی در فیلم)، کسی که تیورینگ او را در فهرست اعضای تیم رمز شکنی دولت-که خودش برای آن کار می‌کرد-نام‌نویسی کرد. تیورینگ سرانجام از کلارک خواستگاری کرد تا او را پیش خودش در جنوب انگلستان، جایی که پایگاه سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا به شمار می‌رفت، نگه دارد اما این ازدواج هیچگاه سر نگرفت، زیرا تیورینگ سرانجام دست به اعتراف زد و نیمه پنهان وجودش را نزد کلارک آشکار ساخت.

با وجود این، رابطه آنان دوستانه باقی ماند و به همکاری با یکدیگر در پروژه‌ای که در دست داشتند، ادامه دادند. شکستن رمز «انیکما»، ماشین آلمانی که نازی‌ها از آن به منظور ارسال پیام‌های رمز می‌روانه در باره فعالیت‌های جنگی استفاده

موفقیت آلن تیورینگ میلیون‌ها زندگی را نجات داد. هرگز از او قدر دانی نشد و کسی موفقیت او را به رسمیت نشناخت و بعدتر، همان دولت، همان مردم، او را به محاکمه کشاندند»

می‌کردند. به رغم تردیدهای اولیه تیم او که برای کشف رمزی که روزانه تغییر می‌کرد خون دل‌ها خورده بودند، تیورینگ موفق به ساخت ماشینی شد که هر روز رمز شکنی می‌کرد. مدت‌ها بعد، از موفقیت او به عنوان یکی از دلایل اصلی پیروزی بریتانیا یاد شد.

مورتن تیلدوم، کارگردان ۴۷ ساله «بازی تقلید» در این باره می‌گوید: «به گفته چریل، تیورینگ مهم‌ترین و منحصر به فردترین دستاوردی را که یک نفر می‌توانست در دوران جنگ کسب کند، از آن خود کرد.» او اضافه می‌کند: «موفقیت او میلیون‌ها زندگی را نجات داد و همه چیز تماماً مخفی نگه داشته شد. هرگز از او قدر دانی نشد و کسی موفقیت او را به رسمیت نشناخت و بعدتر، همان دولت، همان مردم، او را به پای میز محاکمه کشاندند.»

چندین سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم، تیورینگ در پی ورود غیر قانونی مردی (که از پیش با او آشنا نبوده) به خانه‌اش دستگیر شد. با وجود این که او قربانی سرقط بود، اما به اتهام بی‌ثباتی و بی‌شردی محکوم شد. دو سال بعد، تیورینگ در ۴۲ سالگی به وسیله سپانیدی که درون یک سبب جاسازی و به او تحویل داده شده بود، خودکشی کرد. به گفته مور، داروهای اجباری که طی این مدت مصرف می‌کرد ذهنش و جسمش را ویران ساخته بود.

تیلدوم می‌گوید تیزرآودی مرگ تیورینگ، اهمیت ویژه‌ای به اکران «بازی تقلید» در اعاده حیثیت او و زنده کردن میراث بخشیده است. کارگردان فیلم «شکارچی مغزها» (۲۰۱۱) تأکید می‌کند: «او چنین قهرمان بی‌نام و نشانی بود» و می‌افزاید: «این بازی تقلید، فیلمی است که از آن‌هایی که از متفاوت فکر کردن نمی‌ترسند، تجلی می‌کند. عجیب آن که، دسامبر گذشته، ملکه الیزابت، تیورینگ را مشمول عفو سلطنتی اعلام کرد؛ اتفاقی که کارگردان فیلم به آن بی‌اعتناست: «چیزی برای بخشیدن وجود ندارد. او تحت

درام تاریخی «بازی تقلید» را مورتن تیلدوم کارگردانی کرده که در حقیقت نخستین فیلم انگلیسی‌زبان این فیلمساز نروژی به شمار می‌رود. ستاره‌هایی نظیر بندیکت کامبریج، کایرانا تیللی، متیو گود، مارک استرانگ، چارلز دنس، آلن لیچ و ووری کینیور در این تریلر زندگی‌نامه‌ای ایفای نقش کرده‌اند. مدت زمان فیلم ۱۱۳ دقیقه است و از جمعه ۲۸ نوامبر (۱۷ آذر) در سینماهای آمریکای شمالی روی پرده رفته است.

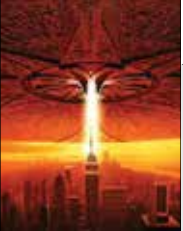
بخش عمده‌ای از فیلمنامه «بازی تقلید» با اقتباس از کتاب زندگی‌نامه «آلن تیورینگ: معما» (۱۹۸۳) به قلم اندرو هاجز نوشته شده است. بندیکت کامبریج، ستاره اصلی فیلم نقش تیورینگ را با تمرکز بر سال‌هایی که به عنوان رمز شکن ارتش بریتانیا در جنگ جهانی دوم مشغول به کار بود، ایفا کرده است. اما این اپیزود پیروزمندان، باروایت ماجرای ترازیک پایان زندگی او تمام می‌شود. تیورینگ به خاطر آزار و اذیت و تحریک‌های همان حکومتی که زمانی باعث جانش شده بود، دست به خودکشی زد. او مردی تابوشکن بود در دورانی که بسیاری از تابوها جرم به شمار می‌رفتند او قربانی افکار بسته جامعه‌اش شد. او ذات‌آبایت و جوه پنهان شخصیتش سرزنده نبود، اما همیشه می‌دانست که باید بخشی از هویتش را مخفی و مثل یک راز پوشیده نگه دارد.

آلن تیورینگ در ۱۹۱۲ در لندن متولد شد و تأثیرگذارترین دوستی زندگی‌اش را در دوران دبیرستان پیدا کرد. او در دبیرستان «شربورن» با پسری به نام کریستوفر مورم دوست بود و هر دو از نظر روحی بسیار به یکدیگر نزدیک بودند اما چهار سال بعد، مور کم‌بر اثر ابتلا به مرض سل مرد و انطور که گراهام مسور می‌گوید: «او در باقی سال‌های عمرش، برای خانواده کریستوفر نامه می‌فرستاد. او هرگز رفیق صمیمی‌اش را از خاطر نبرد.»

تیورینگ هرگز رابطه‌ای جدی را در زندگی‌اش تجربه نکرد و هر چه سن و سالش بالاتر می‌رفت، عشق و علاقه او به کارش و ماشین‌های محاسبه چندنظوره- و اجداد کامپیوترهای مدرن امروزی- نیز بیشتر می‌شد. مور در این باره توضیح می‌دهد: «کار او طرح پرشش‌های بزرگ بود. او به همان اندازه که ریاضیدان بود، فیلسوف نیز بود. بشر بودن چه معنایی دارد؟ زنده بودن چه معنایی دارد؟ چرا ما یک چیز را زنده و دیگری را غیرزنده فرض می‌کنیم؟»

رویکرد دست‌شکنانه تیورینگ به ماشین‌ها و ریاضیات در نظر بسیاری از افراد حوزه آکادمیک گیج‌کننده و حیرت‌انگیز بود و هر دو جوه زندگی‌اش به یک میزان او را به یک بیگانه بدل ساخته بود. همانطور که می‌نویسد: «او بسازی تقلید را زندگی می‌کرد، نه در مفهوم نقش بازی کردن آگاهانه؛ بلکه با پذیرفته شدن به عنوان شخصی که نبود... هیچ‌کس مداوم دیگری نیز در زندگی‌اش وجود داشت، اگرچه کمتر حاد بود؛ تیورینگ ناچار بود خودش را با نظامی آکادمیک وقف دهد که به هیچوجه با خط فکری منحصر به فرد او جور نبود.»

با تمامی این احوال، ریاضیدان نابغه سرانجام جفت روحی‌اش



چراغ سبز به «روز استقلال ۲»

بالاخره اتفاقی که از مدت‌ها قبل انتظارش می‌رفت روی داد و شرکت فاکس قرن بیستم به طور رسمی به پروژه «روز استقلال ۲» (Independence Day 2) چراغ سبز نشان داد. پیش از این اعلام شده بود دنباله فیلم موفق «روز استقلال» موضوع حمله موجودات فضایی به زمین ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ یعنی دقیقاً ۲۰ سال بعد از فیلم اول روی پرده می‌رود. فاکس قرن بیستم در نظر دارد فیلمبرداری ماه مه ۲۰۱۵ شروع شود. مذاکرات نهایی با ولند امیرش انجام شده تا او بار دیگر روی صندلی کارگردانی بنشیند. پس از امضای قرار داد روند انتخاب بازیگران شروع می‌شود. فعلاً شرکت تنها با تولید یک فیلم موافقت کرده است. پیش از این گفته شده بود قرار است «روز استقلال» دو دنباله داشته باشد که پشت سر هم فیلمبرداری می‌شوند. ظاهر برنامه فاکس قرن بیستم فعلاً تغییر کرده و تولید فیلم سوم بستگی به موفقیت تجاری فیلم دوم خواهد داشت. کارتر بلاچارد که برای مجموعه تلویزیونی «جی در برای ای» (۲۰۰۹) شهرت دارد، اولین نسخه فیلمنامه «روز استقلال ۲» نوشته امیرش و دین دولین را بازنویسی کرده است. اولین «روز استقلال» به کارگردانی امیرش سوم ژوئیه ۱۹۹۶ اکران شد و در دنیا به فروش چشمگیر ۸۱۷.۴ میلیون دلار دست پیدا کرد. بیل پولمن، جف گلدبلوم و ویل اسمیت در فیلم بازی کردند.

خبر روز



چهارمین فیلم «پارک ژوراسیک» در راه است

شرکت یونیورسال پیکچرز فیلم «دنیای ژوراسیک» (Jurassic World) را ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵ در سینماها اکران می‌کند. کریس برات، براین لاس هوار، تی سمیکینز، جیک جانسن، نیک رایسن، عرفان خان، وینسنت دونافرئو، بی‌دی وونگ، عمر سی، جودی گریر، کتی مگر، لورن لاکس و اندی پاکلی در فیلم علمی تخیلی «دنیای ژوراسیک» بازی می‌کنند که داستان آن ۲۲ سال پس از اتفاقات هولناک فیلم اول روی می‌دهد. جزیره نوبلار همانطور که جان هاموند در نظر داشت یک پارک موضوعی به نام «دنیای ژوراسیک» درباره دایناسورها دارد. پس از ۱۰ سال تعداد بازدیدکنندگان این پارک کاهش پیدا کرده است. برای بالا بردن تعداد بازدیدکننده‌ها یک تمهید جدید در نظر گرفته می‌شود که به شکلی ترسناک نتیجه عکس می‌دهد. چهارمین فیلم «پارک ژوراسیک» حدود ۱۴ سال پس از فیلم سوم روی پرده سینماها می‌رود. «پارک ژوراسیک» و دنباله آن «دنیای گمشده پارک ژوراسیک» به ترتیب سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۷ روی پرده رفتند. فیلم اول ۹۱۴.۷ میلیون دلار و فیلم دوم ۶۱۸.۶ میلیون دلار در دنیا فروخت. «پارک ژوراسیک» ۳۲ به کارگردانی جو جانستن سازنده فیلم «کاپتان آمریکا» سال ۲۰۰۱ اکران شد، اما با ۳۶۸ میلیون دلار فروش در دنیا توانست به پای دو فیلم اول برسد.

برخورد کوتاه



عکس نوشت

۷۷ سالگی ریدلی اسکات  
۳۰ نوامبر سالروز تولد ریدلی اسکات کارگردان و تهیه‌کننده بریتانیایی است که به خاطر سبک بصری روایی و بسیار متمركز فیلم‌هایش شهرت دارد. اسکات برای فیلم‌های «تلاش لولویز»، «گلادیاتور» و «سقوط بلک هاک» سه بار نامزد اسکار بهترین کارگردان بوده است. «وئل کنگدن»، «بیگانه»، «هیلد رار»، «قسنه»، «سریز جین»، «هانیبال»، «کدسون» و «مجموعه گانگستر آمریکایی»، «مجموعه دروغ‌ها»، «این هود»، «پرومته» و «حقوقدان» از دیگر ساخته‌های اوست. اسکات فیلم «کدسون» با بازی کریستین بیل در نقش حضرت موسی (ع) آلمده‌نمایش دارد و پروژه «هری پتی» به کارگردانی او با بازی جسیکا چاستین در مرحله فیلمبرداری است.